

# سربند زیبا

بابا بزرگم پیش ما آمد  
سوغات ما را داد با لبخند  
تسبیح و عطر و جانماز و مهر  
انگشتر و سجاده و سربند

بابا و ماما، خواهر و داداش  
مانند من بودند خیلی شاد  
بابا بزرگ مهربان، فوری  
سربند زیبا را به دستم داد

سربند را دور سرم بستم  
سربند من هم رنگ گنبد بود  
یک «یا رضا» ی سبز و خوش خط داشت  
سوغاتی ام از شهر مشهد بود

شاعر: عفت زینلی

تصویرگر: زهرا امسان‌فر

